

---

## شناخت یوسف زهرا از یوسف قرآن

---

دکتر علی الله بداشتی\*

\*. استادیار و مدیر گروه فلسفه دانشگاه قم.

### چکیده

بین یوسف زهرا عليها السلام با یوسف نبی عليه السلام شباهت‌های فراوانی در جمال صورت و حسن سیرت (مانند عصمت، صداقت، قدرت، مکانت، صبر و تقوای الهی و مدیریت) و فراز و نشیب‌های زندگی (مانند غیبت، تنهایی، غربت، ناشناخته‌بودن در برهه‌ای از زندگی میان مردم، دستگیری از محرومان و شفا بخشی بیماران و نابینایان، ایجاد حکومتی پر از رحمت عدالت؛ گرچه تمایزی نیز دارند، و گسترش عدالت و گستراندن سفره رحمت وجود دارد.

در این مقاله به پاره‌ای از این شباهت‌ها و تمایزات اشاره می‌شود. کلید واژه‌ها: احسن القصص، تشابه، شباهت‌های معنوی، عصمت، صداقت، برگزیده خدا، مکانت و اقتدار، تقوا، صبر، مدیریت، غیبت، تنهایی و غربت، زمینه‌های ظهور، آستانه ظهور، بازگشت پیروزمندانه.

### مقدمه

اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرّة الحميدة واكل ناظري بنظرة مني اليه و عجل فرجه و سهل مخرجه و أوسع منهجه و أسلك بي محجته و انفذ أمره و اشدد أزره؛<sup>۱</sup>  
خدایا! آن جمال با رشادت و آن رخسار روشن جبین ستوده را نشانم ده و تماشای

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، بخشی از دعای عهد.

او را سرمه چشم کن، فرجش را تعجیل، آمدنش را آسان و راهش را گشاده کن  
و مرا رهروی این راه گردان، امرش را نافذ و پشتش را [به نیروی خویش]  
محکم گردان.

خدای سبحان، درباره قرآن معظمش می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ  
و هدى و رحمةً و بشرى للمسلمين﴾<sup>۱</sup>.

ما بر تو کتابی فرستادیم که بیان‌کننده هر چیزی است و هدایت و رحمت و  
بشارت برای مسلمانان است.

آیا می‌توان تصور کرد قرآن، بیان‌کننده همه مسائل سعادت بشر و هدایت، رحمت  
و بشارت برای مسلمانان باشد؛ اما درباره امامت و رهبری امت در عصر رسول  
خدا ﷺ و بعد از او و اکنون و آینده، هیچ رهنمود و بشارتی نداشته باشد؟ این  
سخن در درون خود ناسازگاری و تناقض منطقی دارد و ساحت قرآن از  
تناقض‌گویی مبرا است؛ پس حتماً قرآن، برای امامت انسان دیروز و امروز و فردا  
سخنان بلندی دارد. لکن باید آن دُرّ ثمین را از لابه‌لای آیه‌ها و قصه‌ها و حکایت‌ها  
و گزاره‌های حکمت‌آموز قرآن بیرون کشید.

یکی از آن قصه‌ها که به تعبیر خدای سبحان احسن القصص است، قصه یوسف  
رعنا قرآن است. اینک ما بر آنیم از آن حکایت دیرین این حقیقت برین را  
بازخوانی کنیم. قرآن کریم، چند پرده از اسرار جمال انسانیت یعنی یوسف بن یعقوب  
بن اسحاق بن ابراهیم برمی‌دارد. ما هم با تماشا و تأمل در آینه جمال یوسف  
نبی ﷺ پرده‌ای از جمال پر جمیل یوسف زهرا عليها السلام برمی‌داریم. یوسف قرآن، ظاهری  
پر از جمال، باطنی پر از اسرار و زندگی‌ای پر از ماجرا دارد که در این مقال، نگاهی

۱. نحل (۱۶) : ۸۹.

گذرا و مقایسه‌ای زیبا به این سه عنصر عزت‌آفرین داریم.

#### ۱. تشابه در حسن صورت

زیبایی یوسف، گویی ضرب‌المثل خاص و عام بود. این، حقیقتی است که اهل زمانش شاهد آن بودند و کتاب مقدس (تورات) نیز بر آن گواهی داده است؛ چنان که در کتاب پیدایش آمده است: «یوسف، خوش اندام و نیک منظر بود»<sup>۱</sup>. درباره جمال ظاهری یوسف همین بس که طبق نقل قرآن، زنان مصری وقتی یوسف را دیدند، آن چنان مجذوب جمال جمیل او شدند که انگشت از ترنج باز نشناختند و به جای ترنج، انگشتان خویش بریدند و او را در زیبایی چون فرشته‌ای شریف دانستند.<sup>۲</sup>

و اما جمال یوسف زهرا علیها السلام

کنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان در بیان ویژگی‌های امام مهدی عجل الله فرجه و یوسف بن یحیی مقدسی شافعی از علمای قرن چهارم در عقد الدرّ فی اخبار المنتظر، هر دو از قول حدیثه و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گزارش می‌کند که آن حضرت فرمود:<sup>۳</sup>

مهدی، مردی از فرزندان من است که صورتش چون ستاره‌ای درخشان با نمای زیبای عربی و بدن نیرومند یعقوبی است. زمین را از عدل پر می‌کند؛ همان طور که قبل از او از ظلم پر شده باشد.

در روایت دیگر نیز از حدیثه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گزارش شده است که

۱. ج ۳۹، ص ۴۷.

۲. یوسف (۱۲) : ۳۱.

۳. «المهدی رجل من ولدی وجهه کوکب درّی اللّون لون عربی و الجسم جسم اسرائیلی یملاء الارض عدلاً کما ملئت جوراً.» بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

فرمود:<sup>۱</sup>

او مردی از فرزندان من است. گویی او از فرزندان یعقوب است. دو عبای قطوانی برتن دارد. رنگ چهره‌اش همچون ستاره‌ای درخشان است. در گونه راستش خال سیاهی است. او در قامت، مردی چهل ساله ظهور خواهد کرد.<sup>۲</sup>

علاوه بر این روایات، روایت‌های دیگری از پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و سایر امامان اهل بیت نبوت علیهم‌السلام در جمال صورت و خصال سیرت حضرت مهدیؑ نقل شده است که این مختصر را مجال آن مفصل نیست.

توضیح این که در دو روایت مذکور حضرت، به فرزندان ذکور یعقوب تشبیه شده است. فرزندان یعقوب - به گزارش قرآن - مردان نیرومندی بودند و می‌گفتند: «نحن عصبه»<sup>۳</sup>. عصبه در لغت به معنای گروهی نیرومند است. یوسف، میان فرزندان یعقوب ویژگی‌های منحصر به فردی داشت. او از کودکی با زیبایی صورت و حسن سیرتش یعقوب این پیامبر عظیم‌الشأن را چنان مجذوب خویش کرده بود که حسد برادران را بر انگیخت و عزیز مصر را چنان مجذوب خویش کرده بود که به همسرش دستور داد<sup>۴</sup> جایگاهش را گرامی بدارد و زنان مصر را چنان مجذوب کرد که انگشتان خویش را از ترنج باز نشناختند<sup>۵</sup> و پادشاه مصر را چنان شیفته خود کرد

انظرن

شناخت یوسف زهر از یوسف قرآن علی الله بداشتی

۱. «هو رجل من ولدی كأنه من رجال بنی اسرائیل علیه عباء تان قطوا نیتان، کأن وجهه الکوکب الدری فی اللون فی خذّ الایمن خال اسود ابن اربعین سنة.» کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۸۷.
۲. این روایت در *اسد الغابة* (ج ۵، ص ۱۵۴) و *الاصابة* (ج ۶، ص ۸۹ و ۹۰) از طریق مستور ابن جیلان (یا جیلان) نیز نقل شده است.
۳. یوسف (۱۲) ۸.
۴. «اکرمی مثواه».
۵. همان، ۳۱.

که گفت: «حقیقتاً تو امروز نزد ما مورد اعتماد و ارجمندی»<sup>۱</sup>.  
یوسف زهرا علیها السلام نیز بر اساس روایات مستفیض، بلکه متواتر از حیث معنا، ویژگی‌های یوسف قرآن را از حیث حُسن سیرت و جمال صورت دارد.

۲. شباهتهای معنوی و تشابه سیرت یوسف زهرا علیها السلام به یوسف قرآن علیها السلام  
قرآن کریم، یوسف نبی علیها السلام را به ایمان، عصمت، تقوا، صبر، عدل، تواضع، مدیریت، امانت و دیگر صفات کریمانه می‌ستاید. امام زمان علیها السلام نیز براساس روایات متواتری که از طریق فریقین نقل شده است، الگوی تمام‌نمای ایمان، عبودیت، عصمت، عفت، تقوا، صبر، عدل، تواضع، مدیریت و امانت است. بیان تفصیلی این‌ها مجال دیگری می‌طلبد و تنها به اختصار، به برخی ویژگی‌های این دو ولی الهی می‌پردازیم:

#### ۲-۱. عصمت

به اختصار درباب عصمت یوسف نبی علیها السلام می‌توان گفت که ادله عمومی عصمت انبیا بر عصمت حضرت یوسف نیز گواهی می‌دهد. علاوه بر آن، مخالفان او - همان‌هایی که او را به زندان انداختند - بر عصمت او گواهی دادند؛ چنان که قرآن از زبان همسر عزیز مصر می‌فرماید: «من از وی خواستم خودش را در اختیار من قرار دهد او سخت مخالفت کرد و بر پاکدامنی خودش اصرار ورزید»<sup>۲</sup> در جای دیگر او را از صادقان دانستند: من با او عزم مراوده داشتیم؛ اما او از راستگویان و راستکرداران است»<sup>۳</sup>.

۱. «انک الیوم لدینا مکین امین» همان، ۵۴.

۲. «ولقد راودته عن نفسه فاستعصم» همان، ۳۲.

۳. «انا راودته و انه لمن الصادقین».

همان ادله عمومی عصمت امام، بر عصمت یوسف زهرا علیها السلام نیز دلالت دارد؛ چون به اعتقاد شیعه، او از اولوالامر است و خدای سبحان به اطاعت مطلق از اولوالامر فرمان داده است؛ چنان که می‌فرماید:

[ای مؤمنان] مطیع خدا باشید و از رسول و صاحبان امر نیز فرمان برید.<sup>۱</sup>  
در این جا امت بر اطاعت مطلق امر شده‌اند. بدیهی است که لازمه اطاعت مطلق، عصمت مطلق امام مطاع است و گرنه مستلزم تناقض خواهد بود.<sup>۲</sup> یکی از صاحبان امر بر اساس حدیث جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۳</sup>

۲-۲ صداقت

یوسف از صادقان است. امام عصر نیز از صادقان است؛ به دلیل آیه شریف که مؤمنان را به تقوا و همراهی صادقان امر کرده و فرموده است. صادقان مورد اشاره آیه شریفه، همان امامان هدایتگر و در رأس آنان، امیرالمؤمنین علیه السلام هستند.<sup>۴</sup>

از علمای اهل سنت نیز روایتی از ابن مردویه و او از ابن عباس نقل شده است که مراد از صادقین علی بن ابی طالب است.<sup>۵</sup> گرچه احتمال‌های دیگر را نیز نقل کرده است، این روایت با روایات و تفسیر شیعه از اهل بیت عصمت تأیید می‌شود. بدیهی است که مورد مخصص نیست، یعنی وصف صادقان در حضرت علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جاری است؛ چرا که آنان کسانی هستند که درستی عملشان،

۱. «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»، نساء (۴) : ۵۹.

۲. رک: طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۳۹.

۳. رک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۳۰-۱۷۵.

۴. رک: المیزان، ج ۹، ص ۴۲۳.

۵. فتح‌التقدیر، ج ۱، ص ۹۵۳.

صدق گفتارشان را به طور مطلق تایید می‌کند. ملاهادی سبزواری<sup>۱</sup> در باب برهان صدیقین در شناخت خدا در وصف صدیقین می‌گوید:

صدیق کسی است که بسیار راستگو است و او کسی است که در سخن‌ها و کارها و تصمیم‌ها و پیمان‌هایش با خدا و مردم راست‌رو و استوار باشد.

۲-۳. برگزیده خدا

یوسف نبی عليه السلام از کودکی، برگزیده و محبوب خدای سبحان واقع شد؛ چنان که قرآن کریم از زبان حضرت یعقوب عليه السلام می‌فرماید: بدین سان پروردگارت تو را برگزیند و به تو تعبیر خواب‌ها می‌آموزد و نعمتش را بر تو تمام می‌کند.<sup>۲</sup>

دلیل دیگر این‌که وقتی یوسف را به چاه انداختند، خدای سبحان در چاه به او وحی فرستاد که ما برادرانت را به زشتی کارشان آگاه می‌کنیم و این‌ها نمی‌فهمند چه خطایی مرتکب شده‌اند، سخن خدای تعالی چنین است که فرمود:

به او وحی فرستادیم که حتماً (در آینده‌ای نه چندان دور) آنان را به این کارشان آگاه می‌کنی و آنان درک نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

امام مهدی عليه السلام نیز در کودکی برگزیده خدا شده، به ولایت الهی منصوب گردید؛ همان‌گونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله برگزیده خدا است و اهل بیت او از امامان پاک عليهم السلام برگزیدگان خدا هستند.<sup>۴</sup> اما امام زمان عليه السلام به واسطه جور مردم زمانه، به الهام ربانی، از نظرها غایب شد و در حجاب غیبت خواهد ماند، تا آن‌گاه که خدا به ظهور امر کند.

۱. «الصدیق مبالغة الصادق و هو ملازم الصدق فی الاقوال و الافعال و القصود و العهد مع الله و مع الخلق» پاورقی اسفار، ج ۶، ص ۱۳.

۲. «كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الاحاديث و يتمّ نعمته عليك...»، يوسف (۱۲): ۵.

۳. «وحيثما اليه لتنبئنهم بأمرهم هذا و هم لا يشعرون»، همان، ۱۵۰.

۴. رک: طوسی، الغيبة، ص ۲۷۱ و ۲۷۹.

## ۲-۴. مکانت و اقتدار

همان‌گونه که غیبت یوسف، مایه اقتدار او در آینده‌ای نه چندان دور گردید، غیبت ولی عصر علیه السلام نیز مایه مکانت و اقتدار او خواهد شد. طبق نقل قرآن، بعد از آن‌که کاروانیان، یوسف را از چاه درآورده، او را بضاعت خویش قرار داده و به بهایی ناچیز فروختند، عزیز مصر او را خریداری کرد؛ اما نه برای بردگی، بلکه او را منزلتی رفیع داد و به همسرش امر کرد: ای همسر! مقامش را گرامی بدار، امید است این کودک سودمان بخشد یا او را به پسری برگیریم.<sup>۱</sup>

در ادامه می‌فرماید:

ما بدین ترتیب یوسف را در زمین مکانت دادیم.

این مکانت الهی او در زمین، در آیه دیگر نیز اشاره شده است؛ آن‌جا که از زبان پادشاه مصر می‌فرماید:<sup>۲</sup> تو امروز نزد ما صاحب مکت و مورد اعتماد هستی.

خدای مهربان نیز این مکت را از رحمت خویش دانسته، می‌فرماید: بدین‌گونه ما یوسف را در آن سرزمین جایگاهی بلند دادیم، تا هر جا خواست مسکن گزیند. هر کس را خواهیم مشمول رحمت خود سازیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.<sup>۳</sup>

خدای سبحان به مؤمنان صالح از دین اسلام هم وعده داده است آنان را جانشینان زمین کند؛ همان‌گونه که بیشتر مؤمنان صالح از امت‌های گذشته را جانشینان زمین کرد و آیینشان را که پسندیده آنان است، استوار گرداند و بیمشان را

۱. «اکرمی مشواه عسی ان ینفعنا او نتخذہ ولدا»، یوسف (۱۲) : ۲۱.

۲. «انک الیوم لدینا مکین امین»، همان، ۵۴.

۳. «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»، همان، ۵۶.

به ایمنی دگرگون سازد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از بیان وجوهی که مفسران درباره این آیه ذکر کردند و نقض اقوال آنان می‌فرماید:

حق این است که این آیه شریف تنها بر جامعه‌ای دلالت دارد که با ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه تشکیل می‌شود.<sup>۲</sup>

اخبار متواتری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام درباره حاکمیت مؤمنان در جامعه‌ای خدامحور، عدالت‌پیشه و امنیت‌گستر آمده، هنوز محقق نشده است. این، وعده خدا است که به دست ولی عصر عجل الله فرجه محقق می‌شود؛ همان‌گونه که در بعضی ابعاد آن در زمان انبیای گذشته و حضرت یوسف علیه السلام محقق شد. کنجی شافعی که احادیث مسند احمد بن حنبل را گردآوری کرده است، از ابن سعید خدری از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود:

آیا شما را به مهدی بشارت دهم؟ او در امت من مبعوث می‌شود، آن‌گاه که مردم، دسته‌های مختلف شده و متزلزل می‌گردند. او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، آن‌گاه که از ظلم و جور پر شده باشد و حکومتی تشکیل می‌دهد که ساکنان آسمان و زمین، از آن حکومت راضی هستند. مال [بیت المال] را به مساوات تقسیم می‌کند. خدا قلوب امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را از بی‌نیازی پر می‌کند و عدل او چنان توسعه می‌یابد که نیازمندی نمی‌ماند.<sup>۳</sup>

۲-۵. تقوا

یکی از ویژگی‌های ممتاز حضرت یوسف علیه السلام تقوا است. او به برکت تقوا از همه حیل‌های زنان مکاره شیطان صفت رهایی یافت. خدای سبحان، او را به این صفت

۱. نور (۲۴) : ۵۴.

۲. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۳. رک: احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل، ص ۵۶.

ستوده است، آنجا که می‌فرماید: ما یوسف را در زمین مُکنت دادیم...؛ اما پاداش آخرت، بهتر و برتر است، برای کسانی که ایمان آوردند و همواره تقوا پیشه کرده‌اند.<sup>۱</sup> در چند آیه بعد، پس از آن که بیان می‌کند یوسف به مقام عزیزی مصر رسید، دوباره می‌فرماید:

بی‌گمان، هر کس تقوا پیشه کند و شکیبایی ورزد، خدا او را پاداش نیکو دهد و خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.<sup>۲</sup>

این وعده عمومی خدا است که به پرهیزکاران سرانجامی نیکو عنایت کند؛ چنان که می‌فرماید: این سرای نیکوی آخرت را برای کسانی قرار داده‌ایم که نمی‌خواهند در زمین به سرکشی و تبهکاری پردازند و فرجام نیک از آن پروا پیشه‌گان است.<sup>۳</sup> در سوره اعراف، از زبان حضرت موسی علیه السلام به قومش می‌فرماید: از خدا یاری جوید و صبر پیشه کنید که زمین، از آن خدا است و هر کس از بندگانش را بخواهد، وارثش می‌کند و فرجام شایسته، از آن پروا پیشه‌گان است.<sup>۴</sup>

از امام صادق علیه السلام درباره دولت حضرت مهدی علیه السلام آمده است:

حکومت ما، آخرین حکومت است و همه خاندان‌ها [گروههای فکری] پیش از ما دولت تشکیل می‌دهند، تا وقتی سیره ما را در حکومت‌داری دیدند، نگویند: «اگر ما هم بودیم، مانند این‌ها حکومت می‌کردیم». این سخن خداوند عزیز و بلند مرتبه است که می‌فرماید: «سرانجام نیکو، برای تقوا پیشه‌گان است.<sup>۵</sup>

۱. «و كذلك مکنا لیوسف فی الارض... و لأجر الآخرة خیر للذین امنو و کانوا یتقون»، یوسف (۱۲) : ۵۷.

۲. «أنه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین»، همان، ۹۰.

۳. «تلك الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علواً فی الارض و لا فساداً و العقبه للمتقین» قصص (۲۸) : ۸۳.

۴. «استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العقبه للمتقین» اعراف (۷) : ۹۰.

۵. «دولتنا آخر الدول و لن یتق اهل بیت لهم دولة الا ملکوا قبلنا لثلاً یقولوا اذا رأوا سیرتنا، اذا ملکنا سرنا مثل سیره هؤلاء و هو قول الله عزّ و جلّ «والعاقبة للمتقین»، طوسی، الغیبه، ص ۴۷۲ و ۴۷۳.

این حکومت، به دست مجسمه تقوا از خاندان پیامبر، یعنی حضرت مهدی علیه السلام بر پا خواهد شد. خدای سبحان، این نعمت را بر اهل بیت پیامبر ارزانی خواهد کرد؛ همان گونه که یوسف مصر علیه السلام فرمود: این نعمتی است که خداوند بر ما ارزانی داشته است.<sup>۱</sup>

۲- ۶. صبر

صبر در فرهنگ قرآن، به معنای ایستادگی و استقامت برابر بلاها، مصیبت‌ها، معصیت‌ها و نعمت‌ها است. از ویژگی‌های یوسف نبی علیه السلام که خدای سبحان آن جناب را بدان می‌ستاید، صبر است. چنان که ملاحظه شد، هر جا سخن از تقوا است، این تقوا همراه صبر، استقامت و پایداری برابر مصیبت‌هایی است که بر شخص فرود آمده است. یوسف علیه السلام در مصائبی که به واسطه حسد برادران و نیز به واسطه دلدادگی زلیخا و زنان مصری برای او پیش آمد و در پی آن به زندان افکنده شد، صبری نیکو پیشه ساخت. در مقابل این پایداری است که خداوند، آن همه عزت، مکنت و اقتدار به او عنایت فرمود؛ چنان که حضرت یوسف در زمان حکومتش در مصر به برادرانش می‌فرماید: [ای برادران!] بی‌گمان، خدا بر ما منت نهاده و این نعمت را ارزانی کرده است. بی‌گمان هر کس تقوا پیشه کند و در این راه استقامت ورزد [او نیکوکار است و] خدا هرگز اجر نیکوکاران را تباه نمی‌کند.<sup>۲</sup>

سخن خدای سبحان که می‌فرماید «هر کس تقوا پیشه کند و صبر نماید» حکم کلی است و جمله «پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنیم» نیز جزای آن شرط است. از ویژگی‌های بارز یوسف زهرا علیهما السلام نیز صبر و استقامت برابر مشکلات و رنج-

۱. «لقد من الله علينا»، یوسف (۱۲): ۹۰.

۲. «قد من الله علينا انه من يتق و يصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين» همان، ۹۰.

هایی است که بر او وارد می‌شود با رنج‌هایی که به واسطه ستمی که بر مسلمانان و همه مظلومان جهان وارد می‌آید، پدید می‌آید؛ چرا که غم مظلومان و مسلمانان، غم او است و رنج شیعیان او را می‌آزارد. او، فرزند همان کسی است که می‌فرمود: «صبر کردم، در حالی که استخوان در گلو و خار در چشم بودم<sup>۱</sup>، از تبار صابرا نی است که در زیارت جامعه کبیره درباره آنان می‌خوانیم: شما برای تحصیل رضای خدا، بر آنچه در این راه بر شما وارد شد، صبر پیشه کردید. جابر، در حدیث طولانی درباره آن حضرت می‌فرماید: او، برای همه مردم جهان رحمت است. برای او کمالات موسی، شرف عیسی، و صبر ایوب است.<sup>۲</sup>

آری، حضرت مهدی عجل الله فرجه صبر ایوب را دارد که هزار و دویست و اندی سال تنهایی و غربت و دوری از شیعیان و عاشقانش را تحمل کرده است و به انتظار اذن الهی برای ظهور خود نشست است. وقتی روایت، صبر حضرت را به صبر ایوب تشبیه می‌کند، فهمیده می‌شود که مصائب وارد آمده بر آن حضرت، از مصائب یوسف علیه السلام نیز بیشتر است. چه رنجی بزرگ‌تر از این است که بزرگ‌مردی از خاندان رسالت و کرامت و شجاعت، فریاد مظلومان را بشنود و نشستن تازیانه‌های ستمگران بر مظلومان را در هر نقطه جهان به ویژه بر مسلمانان، ببیند؛ ولی به خویشنداری مأمور باشد، در حالی که فرزند امیر مؤمنان و شیر میدان جنگ است. اینجا است که باید اذعان کرد مصائب او از مصائب یوسف صدیق، گران‌تر بوده و صبر او جمیل‌تر است.

۱. رک: نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. «رحمة للعالمین، علیه کمال موسی، و بهاء عیسی، و صبر ایوب» طوسی، الغیبه، ص ۱۴۶.

۲-۷. مدیریت<sup>۱</sup>

یکی از نعمت‌هایی که خدای سبحان به یوسف یعقوب علیه السلام بخشیده است، توان بالای مدیریت است. سوره یوسف، گویای این است که مصر، از تمدن دیرینه و نظام حکومتی منسجمی برخوردار بود و پادشاه آن سرزمین در عهد یوسف، انسان دوراندیشی بود؛ چرا که وقتی یوسف خواب او را تعبیر کرد، دستور داد او را از زندان بیاورند، تا از ندیمان و مشاوران خاص خودش قرار دهد. وقتی پادشاه با او مصاحبه کرد و او را اهل حکمت و دانش یافت،<sup>۱</sup> گفت از امروز تو در نزد ما صاحب جایگاه بلند و امین هستی. یوسف علیه السلام چون به فضل الهی صاحب حکمت عملی و نظری بود با بینش بلند خویش، آینده مصر را از روی خواب پادشاه پیش‌بینی کرد و فهمید بر اثر قحطی‌ای که در آینده نزدیک فرا خواهد رسید، مدیریت اقتصاد و کشاورزی مملکت، مهم‌ترین مسأله است؛ لذا فرمود: «مرا مسؤول خزانه‌های این سرزمین قرار ده که من نگهبان و عالم به این کار هستم». دیدیم یوسف چگونه مملکت مصر و شهر و روستاهای اطراف آن، مثل کنعان را از بحران غذا نجات داد. مهدی زهرا علیها السلام نیز این توان مدیریت را دارد که جهان را اداره کند؛ چرا که پیامبر صادق مصدق و امامان صاحب عصمت مژده داده‌اند که فردی از خاندان پیامبر خواهد آمد و کره زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، پس از آن‌که از ظلم و ستم پر شده باشد. حکومتی بر پا می‌کند که ساکنان آسمان و زمین، از آن خشنودند،

۱. مدیریت از شاخه‌های حکمت عملی و امروزه یکی از رشته‌های مهم دانشگاهی است.

۱. در آیه ۲۲ این سوره از قول خدای سبحان آمده است: «وقتی یوسف به سن رشد رسید، به او حکمت و علم دادیم و ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم». حکمت، درست اندیشی در امور است و علم مدیریت یا تدبیر سیاست مدن نزد حکما از حکمت علمی شمرده می‌شود. مهم‌ترین بخش از علم مدیریت، مدیریت بحران است.

بیت‌المال را به مساوات تقسیم می‌کند و خدا قلوب امت حضرت محمد ﷺ را از بی‌نیازی پر می‌کند. دادگری او، چنان گسترش می‌یابد که نیازمندی نمی‌ماند.<sup>۱</sup> همان‌گونه که در حدیث جابر گذشت، او «رحمة للعالمین» و برای همه انسان‌های روی زمین، رحمت و برکت و نعمت است. حکومتی با این گستره عدالت و رحمت، ممکن نیست، مگر به دست آن بزرگ مرد الهی که خداوند به او علم و حکمت بخشیده و صاحب مدیریت معجزه آسا کرده است تا جهان بحران‌زده امروز را نجات بخشد. خدای سبحان، به واسطه او، عقل‌های مردم را کامل می‌کند<sup>۲</sup> و عقل‌ها را بر نفس‌ها چیره سازد و به نزاع بی‌حاصل بشر پایان بخشد. این انسان بزرگ الهی، همان موعود ادیان و مهدی صاحب الزمان ﷺ است که ما مفتخریم که از امت او هستیم.

شبهات‌های زندگی یوسف زهرا علیها السلام و یوسف قرآن علیه السلام

زندگی یوسف زهرا نیز از چند جهت با زندگی یوسف یعقوب قابل تطبیق است؛ اگر چه از جهاتی دیگر متفاوت است. در اینجا به برخی از وجوه شباهتشان اشاره می‌کنیم:

#### ۱. غیبت

فرزندان یعقوب که (برادران نامادری یوسف علیه السلام) بودند، ظالمانه و ناجوانمردانه یوسف را در چاه تنهایی غایب ساختند. یوسف زهرا نیز از جور و ستم بنی عباس

۱. احادیث‌المهدی من مسند احمد حنبل، ص ۵۶.

۲. به روایت امام محمد باقر علیه السلام اشاره است که فرمود: «چون قائم قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند [تا پیروی هوای نفس نکنند] و در نتیجه خردشان کامل شود». کافی، ج ۱، ص ۲۹.

که بسرموهای او بودند، از نظرها غایب شد.

اگر غیبت یوسف، به تقدیر الهی، زمینه‌ای بود، تا روزی نجات دهنده مردم مصر و فرزندان یعقوب از گرسنگی و بیچارگی باشد؛ غیبت یوسف زهرا علیها السلام نیز زمینه‌ای است تا منجی همه اهل زمین از فساد و ظلم و تبعیض باشد.<sup>۱</sup> طولانی شدن غیبت یوسف شد برادرانش، پدرشان را به سبب گریستن بر یوسف سرزنش‌کنند.<sup>۲</sup> در غیبت امام زمان نیز طولانی شدن غیبت، سبب خواهد شد جاهلان گویند: ما را به آل محمد نیازی نیست.<sup>۳</sup>

از امام باقر نقل شده است که فرمود:

صاحب این امر، چهار روش از چهار پیغمبر دارد؛ روشی از موسی و روشی از عیسی و روشی از یوسف... اما از یوسف، غیبت او از میان خاندانش است، تا آن‌جا که آنان را نشناسد و و آنان هم او را نشناسند ...<sup>۴</sup>

## ۲. تنهایی و غربت

یوسف یعقوب علیها السلام در جامعه آن روز مصر، آن‌چنان تنها و غریب و ناشناخته بود و مردم از اصل و نسبش بی‌خبر بودند که وقتی برادرانش نیز به مصر رفتند و او را دیدند و از اکرامش بهره بردند و او را نیکوکار خطاب کردند. نمی‌دانستند این جوانمرد نیکوکار؛ همان برادر آنها است؛ همان برادری که در چاه جفا پنهانش کردند، تا برده کاروانیان شود. یوسف در سرزمین مصر، تنها و غریب بود، تا آن روز

۱. یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.

۲. یوسف (۱۲) : ۸۴ تا ۸۵.

۳. طوسی، التبیه، ص ۳۴۱.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۶.

که خودش خویشتن را به برادرانش معرفی کرد<sup>۱</sup>

یوسف زهرا علیها السلام هم هزار و دویست و اندی سال است که در این عرصه گیتی همچنان تنها و غریب و ناشناخته زندگی می‌کند و کسی او را نمی‌شناسد و جایگاه او را نمی‌داند.

آری؛ چه بسا مهدی فاطمه علیها السلام در گرفتاری‌ها و شداید دستمان را بگیرد، گمراهان را راه نماید، درماندگان را مدد رساند؛ ولی کسی او را نشناسند، تا آن روز که به تقدیر الهی ظاهر شود.<sup>۲</sup>

۳. بهره‌مندی در زمان غیبت

برادران یوسف در زمان غیبت یوسف، از خوان کرم او بهره بردند و بدون عوض، از او کالا دریافت کردند. با او سخن گفتند و از محبت و رحمت او چنان بهره‌مند شدند که گفتند: «ما تو را از نیکوکاران می‌دانیم». بی‌شک، مسلمانان نیز در زمان غیبت از خوان کرم مهدی فاطمه علیها السلام بهره‌مند خواهد بود، چنان که رسول گرامی اسلام در پاسخ سؤال جابر که «آیا در زمان غیبت مهدی علیه السلام از او نفعی به مردم می‌رسد؟» فرمود:

قسم به کسی که مرا به نبوت مبعوث کرد، مردم در زمان غیبت، از نور او بهره‌مند می‌شوند؛ همان‌گونه که از خورشید پشت ابر بهره می‌برند.<sup>۳</sup>

و حضرت امیر علیه السلام در همین باره می‌فرماید:

آگاه باشید! آن کس که از ما است و این حوادث را مشاهده می‌کند، با چراغی روشن راه می‌پیماید و با الگویی همچون الگوی صالحان در آن حوادث عمل

۱. یوسف (۱۲) : ۹۹.

۲. رک: طوسی، الغیبه، ۲۵۴ - ۲۸۰.

۳. حسینعلی منتظری، موعود ادیان، ص ۲۲۳؛ صدر، موعود ادیان، ص ۸۱.

می‌کند، تا گرفتاری را نجات و اسیری را آزاد و اجتماعاتی را متفرق و تفرقه‌هایی را مجتمع کند؛ در حالی که مردم او را نمی‌بینند و کسی از او اثری نمی‌یابد، هر چند پیگیری نماید.<sup>۱</sup>

۴. زمینه‌های ظهور

سختی‌ها و بلاها، مقدمه معرفت یوسف نبی و یوسف زهرا علیهم‌السلام است. توضیح این‌که مردم کنعان، دچار قحط سالی و گرفتار سختی‌ها و شداید شدند. فرزندان یعقوب که در کنعان می‌زیستند، برای تهیه آذوقه، راهی مصر شدند که مرکز نعمت و توزیع ارزاق بود. وقتی بر عزیز مصر (یوسف) وارد شدند، یوسف آنان را شناخت، اما آن‌ها او را نشناختند. یوسف به آن‌ها آذوقه داد و متاعشان را نیز در بار شترشان نهاد و گفت: «بار دیگر برادر دیگران را نیز با خود بیاورید، تا به شما آذوقه دهم». بدین ترتیب، بازگشت دوباره‌شان برای آذوقه، به آوردن برادر دیگرشان (بنیامین) مشروط شد. پدر، راضی نبود؛ ولی لکن با اصرار برادران و تعهد دادن برادرانشان را همراه آن‌ها کرد. آنان در مصر، با حادثه ناگواری روبه‌رو شدند. و آن، این‌که به سرقت متهم شدند و بنیامین سارق معرفی شد. یکی از برادران، برای ایفای عهد خویش آن‌جا ماند. دیگر برادران، نومیدانه و شرمنده به کنعان بازگشتند. مجدداً یعقوب آن‌ها را برای یافتن یوسف و برادرانش راهی مصر کرد. گویی برادران یوسف از یافتن او مأیوس شده بودند که حضرت یعقوب فرمود: «از رحمت خدا مأیوس نباشید». برادران، بر یوسف وارد شدند و با قلبی مالا مال از حزن و اندوه، نومیدانه گفتند: «ای عزیز مصر! ما و خانواده‌مان، دچار رنج و سختی شده‌ایم و اینک بضاعتی ناچیز آورده‌ایم؛ اما به کرم تو امید داریم که بر ما پیمانۀ تمام دهی و بر ما

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵۰.

بخشش کنی که خداوند، بخشندگان را پاداش نیکو می‌دهد». یوسف چون اضطرار و درماندگی برادران را دید و بر احوال پدر نیز آگاه بود (به واسطه تعلیم الهی یا بر اساس گزارش بنیامین) خود را معرفی کرد و فرمود: «آیا می‌دانید با یوسف و برادرانش از روی جهل و نادانی چه کرده‌اید؟» گفتند: «آیا تو یوسفی؟» فرمود: «آری؛ من یوسفم و این هم برادر من است...»<sup>۱</sup>.

یوسف زهرا هم ظاهر نخواهد شد، تا یعقوب‌ها در فراقش بگریند و برادرانی که موجب غیبت او شدند، به سختی‌ها و گرفتاری‌ها دچار شوند و از صمیم دل، با قلبی محزون و چشمی گریان، از خداظهور او را استدعا کنند. جابر جعفی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

فرج ما ظاهر نخواهد شد، تا آن‌گاه که غربال شوید، سپس غربال شوید، سپس غربال شوید.<sup>۲</sup>

سؤال اینجا است که انسان‌ها چگونه غربال می‌شوند؟ آیا غیر از این است که امتحان‌های الهی و سختی‌های روزگار، آن‌ها را غربال می‌کند؟ برادران یوسف مؤمن به خدا و پیغمبرزاده بودند، ولی ناراستی‌های اخلاقی موجب آن شد که یوسف را که برگزیده خدا بود، به دست خویش پنهان کنند و سال‌ها از نعمت و جودش محروم باشند. آنان وقتی مضطر شدند و ملتسانه در خانه یوسف رفتند و از رنج‌ها و سختی‌های روزگار سخن گفتند، برای آن‌ها فرجی حاصل شد آری؛ تا امت اسلام از کرده‌های خویش پشیمان نشوند و به سوی خدا و ولی خدا رو نکنند و یعقوب‌وار در فراق او نگریند یا چون برادران یوسف، این سوی، و آن سوی او را طلب نکنند،

۱. رک: یوسف (۱۲) : ۷۰-۹۰.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۳۳۹.

برای آن‌ها فرجی حاصل نخواهد شد.

داستان ما و برادران اهل سنت که منکر وجود فعلی حضرت مهدی علیه السلام هستند، داستان یوسف و یعقوب، بنیامین و دیگر برادران است. فرزندان یعقوب، باور نداشتند که برادرشان یوسف در قید حیات باشد و به مقام عزیزی مصر رسیده باشد، تا آن روز که یوسف خودش خود را به آن‌ها شناساند. آری، برادران اهل سنت که قرآن را باور دارند، چگونه است که باور نمی‌کنند حضرت مهدی علیه السلام ممکن است زنده باشد و آنان بر خوان کرم او نشسته باشند.

آیا داستان اصحاب کهف را نخوانده‌اند که به تقدیر ۳۰۹ سال الهی در خواب ماندند، تا بیداری‌شان، باعث اعتقاد مردم آن عصر، به معاد شود.<sup>۱</sup> آیا داستان خضر نبی را ندیده‌اند که در دریا با موسی هم‌سفر شد و چندی با او هم‌سفر بود اما بعد پنهان شد.<sup>۲</sup>

پس ممکن است آن حضرت، در جامعه ما و میان ما زنده باشد، ما را ببیند، با ما نشست و برخاست داشته باشد، با ما داد و ستد کند؛ اما ما او را نشناسیم؛ در حالی که ممکن است گاه به مهر و گاه با نامهربانی با او رفتار کنیم. اکنون که در غیبت کبرا بسر می‌بریم، او را به نام و نشان نمی‌شناسیم اما از برکات وجود او بهره‌مندیم همان‌گونه که برادران یوسف در عین حال که او را نمی‌شناختند از برکات وجود او بهره‌مند بودند تا آن روز که مقدر الهی این شد که یوسف خود را به برادران بشناساند و قصه هجران و حزن و اندوه پدر را پایان داد. آیا این شاهد گویا و مثل زیبایی برای غیبت امام مهدی علیه السلام نیست؟ آیا منکران وجود حضرتش همچون

۱. کهف (۱۸): ۲۰-۲۵.

۲. همان، ۶۴-۸۲.

برادران یوسف نیستند که پدرشان را به سبب انتظار یوسف و حزن و اندوهی که در غم دوری یوسف بر او عارض شده بود، سرزنش می‌کردند؛ اما حضرت یعقوب علیه السلام می‌فرمود:<sup>۱</sup>

آیا قصه ما و برادران اهل سنت که منکر مهدی موجودند و ساز مهدی موهوم سر می‌دهند همان قصه یعقوب علیه السلام و یوسف و برادرانش نیست که گاه پدر را به سبب غلو در دوستی و گاه به دلیل حزن او سرزنش می‌کردند؛ در حضور یوسف، از خوان نعمت او بهره‌مند بودند و در عین حال، گاه او را از سارقان و گاه از نیکوکاران می‌دانستند؟

۵- آستانه ظهور

یوسف خودش، خود را به برادرانش شناساند. یوسف زهر علیه السلام نیز - آن‌گاه که تقدیر الهی ایجاب کند - خودش، خویشان را به جهانیان می‌شناساند.

یوسف علیه السلام وقتی اضطرار و درماندگی برادرانش را دید و دریافت که چشمان پدر در فراق او از فرط گریستن سفید شده و فرزندانش را دستور داده است بروید و از یوسف و برادرانش جست‌وجو کنید، فهمید اکنون وقت آن است که خود را به برادرانش معرفی کند، وقتی. مقدمات آشنایی را فراهم ساخت، گفتند:

«آیا تو خودت یوسف هستی، گفت: [آری] من یوسفم و این، برادر من است. هر آینه خدا بر ما این نعمت را ارزانی داشته است. حقیقت این است که هر کس با تقوا باشد و صبر پیشه کند. خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند». [برادران یوسف] گفتند: «قسم به خدا! خدا تو را بر ما برگزیده و ما از خطا کاران هستیم».<sup>۲</sup>

۱. «انی اعلم من الله ما لا تعلمون»، یوسف (۱۲) : ۸۶.

۲. «إِنَّكَ لَأَنْتَ يَوْسُفُ؟ قَالَ أَنَا يَوْسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا أَنَّهُ مَن يَتَّقُ وَ يَصْبِرُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْطَبِينَ»

آری؛ آن روز که وعده خدا محقق شود و مهدی فاطمه (س) نیز خود را با نام و نشان و نسب به مسلمانان و جهانیان بشناساند، برادران اهل سنت چنین خواهند گفت.

۶. نشانه‌های ظهور

یعقوب، در فراق یوسف، آن قدر گریست تا نابینا شد. یوسف پیش از آن‌که پدر را ملاقات کند، پیراهن خود را برای او نشانه فرستاد. این پیراهن، هم نشانه ظهور و هم شفابخش چشمان نابینایش شد.

پس از آن‌که یوسف خود را به برادرانش معرفی کرد، گفت:

«این پیراهن مرا ببرید و آن را بر چهره پدرم بیندازید تا بینا گردد».<sup>۲</sup>

آری؛ پیراهن یوسف، شفابخش چشم یعقوب (پدر یوسف) شد. روایات، در شفا بخشی یوسف زهرا نیز متواتر است.<sup>۳</sup>

ابن هجر هیشمی از قول پیامبر گرامی اسلام چنین نقل می‌کند:

خداوند - عزوجل - به سبب او باران از آسمان نازل می‌کند و زمین، به واسطه او می‌رویاند چنین [زمین، پر از نعمت و برکت می‌شود] از برکت وجودش، زمین پر از عدل و داد می‌شود، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.<sup>۴</sup>

المحسنین قالوا تالله لقد آثرک الله علینا و ان کنا لخاطئین» یوسف (۱۲) : ۹۰-۹۱.

۱. قال یا اسفی علی یوسف و ابیضت عیناه من الحزن. [یعقوب] گفت: ای دریقا بر یوسف، چشمانش از اندوه سپید شد. همان، ۸۳.

۲. «ذهبوا یقمیصی هذا فالتوه علی وجه ابی یأت بصیراً»، همان، ۹۳.

۳. رک: نه‌آوندی، برکات ولی عصر علیه السلام، حکایت عبقری الحسان، ص ۴۸۲-۵۰۵؛ مسعود پورسیدآقایی، میر مهر، ص ۲۸۷-۳۹۵.

۴. سید رضا صدر، راه مهدی علیه السلام، ص ۱۰۸.

شیخ طوسی نیز با اسنادش از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

اینها بعضی از نشانه‌های ظهور مهدی فاطمه است. روایات زیادی در این باب آمده است که تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد.<sup>۱</sup>

۷. بازگشت پیروزمندانه

یوسف علیه السلام بعد از آن‌که با شوکت به عزیزی مصر رسید، پدر و برادران و خانواده‌شان را دعوت کرد، تا پدر و مادرش کنار او و برادرانش در مصر ساکن شوند.<sup>۲</sup> یوسف پدر و مادرش را بر بالای تخت نشاند و سجده شکر به جای آوردند. یوسف به برادرانش گفت: «در مملکت مصر، با امنیت مأوی گزیند». و این، بازگشت پیروزمندانه یوسف به خانواده‌اش بود.

بر اساس روایات متواتر شیعه و سنی و حتی بشارت کتاب‌های آسمانی دیگر که از منجی آخرالزمان خبر داده‌اند<sup>۳</sup> از ظهور و بازگشت پیروزمندانه‌ی یوسف زهرا حکایت دارد؛ چنان‌که در غیبت نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: همانا برای قائم که از فرزندان علی است، غیبتی است مانند غیبت یوسف و بازگشتی است همچون بازگشت عیسی بن مریم و پس از آن‌که مدتی غایب شد، ظاهر می‌شود.

در دعای افتتاح می‌خوانیم:

خدایا ما دولت کریمه‌ای را خواهیم که در آن دولت اسلام و مسلمانان عزیز و نفاق و منافقان خوار و ذلیل باشندند.<sup>۴</sup>

پس حضرت مهدی علیه السلام به اذن الهی بازگشت پیروزمندانه‌ای خواهد داشت و چشم

۱. «لا تقوم الساعة حتی یجتمع کل مؤمن بالکوفه» طوسی، کتاب الغیبة، باب علائم الظهور، ص ۴۳۴ - ۴۶۴.

۲. یوسف (۱۲) : ۱۰۰.

۳. رک: طوسی، الغیبة، ص ۴۷۳، ۴۷۲.

۴. «اللهم إنا نرغب الیک فی دولة کریمة تعز بها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله...» قمی، مفاتیح الجنان، ص ۲۴۸.

مؤمنان و مستضعفان، به جمال او روشن خواهد شد؛ همان‌گونه که خدای سبحان در آیه ۵۴ سوره نور وعده داده است.

نتیجه

از آنچه گفتیم، شباهت‌ها و تمایزات یوسف زهرا علیها السلام با یوسف نبی علیه السلام آشکار می‌شد؛ همان‌گونه که یوسف نبی در علم، عصمت، صداقت، تقوا، صبر، شکیبایی، رحمت، مهربانی، قدرت و سایر کمالات معنوی و جمال و صورت ظاهری، سرآمد مصر در عصر خویش بود. یوسف زهرا علیها السلام نیز در این کمالات سرآمد جهانیان است - با این تفاوت که یوسف نبی، سرآمد این کمالات در مصر آن روز بود؛ ولی یوسف زهرا علیها السلام سرآمد همه انسان‌های عصر امروز در صحنه گیتی است. همان‌گونه که یوسف نبی مدت‌ها در پس پرده غیبت در تنهایی و غربت و دوری از پدر و مادر و دوستان خویش زیست و بعد از سال‌ها زندگی در غیبت و غربت، پیروزمندانه بر برادران خویش نمایان شد، یوسف زهرا نیز پس از سالیان متمادی غیبت، به سوی امت اسلام برمی‌گردد و جهان را از عدالت و رحمت خویش سیراب می‌گرداند؛ با این تفاوت که یوسف نبی برای سرزمین مصر فرشته نجات شد؛ ولی یوسف زهرا برای همه عالمیان فرشته نجات از اضطراب‌ها، بی‌عدالتی‌ها، فقر و بی‌چارگی‌ها خواهد بود. ولایت و حکومت پر از مهر و عدالت یوسف نبی را تاریخ در سینه خود ثبت کرده است و یوسف زهرا را قرآن مژده داده است. آخر این‌که یوسف یعقوب، پیامبری از پیامبران الهی بود؛ اما یوسف زهرا، خاتم الاوصیا و وصی خاتم النبیین است. به امید آن‌روز که طعم شیرین رحمت نبوی و عدالت علوی را در حکومت مهدوی ببینیم.